

اهمیت واژگان پایه در شعر کودک

شایا محمدی رفیع

درک کردن و لذت بردن از زبان، شناخت مفاهیم، همدلی با شخصیت‌ها، موقعیت‌ها، روشن‌بینی نسبت به خود و دیگران، بیان منظور و احساس شادمانی، از جمله ارزش‌هایی است که شعر برای کودکان به ارمغان می‌آورد.

از آنجایی که کودک، همه حواسش را برای درک هستی به کار می‌برد، هر چیزی برای او سرشار از تازگی و هیجان است. این ویژگی، کلمات را نیز شامل می‌شود. کلمات برای او زنده و تپنده‌اند. پس شاعر باید همانند مخاطبانش، شکل و رنگ و طعم و بوی کلمات را بفهمد و بجشد و با دریافت حسی قوی در گزینش کلمات - با توجه به محدود واژگانی که در دسترس دارد - بهترین‌ها را انتخاب کند.

«یکی از عواملی که می‌تواند کودکان را به خواندن تشویق کند، فراهم کردن کتاب‌هایی است که در سطح درک آن‌ها باشد و البته تعداد و نوع کاربرد واژه‌ها در این میان نقشی اساسی دارد. در سرودن شعر، شاعران باید دقت کنند تا کودک در مقابل واژه‌هایی قرار نگیرد که به پرسیدن معنای آن‌ها برانگیخته شود و پس از طرح پرسش، هیچ‌کس قادر نباشد جواب قانع‌کننده‌ای ارائه دهد و در نتیجه، به جای استدلال، پاسخ دهنده به زور و خشم و تهدید متوسل شود و کودک را از مطالعه و پرسیدن و کنجکاوی و تمایل به دانستن و شناختن دلزده کند. مسلم است که کودکان به تدریج در جریان زندگی، به طرق مختلف با شکل و مفهوم و کاربرد بسیاری از این‌گونه واژه‌ها آشنا می‌شوند.»^۱

«مخاطب‌شناسی یکی از مسائل مهم در زمینه تألیف است. هر پدید آورنده‌ای هنگام نگارش اثر خود، باید به مخاطب بیندیشد و در نهان و آشکار، مخاطب مفروضی داشته باشد و سعی کند هر چه بیشتر او را بشناسد تا بتواند ارتباط برقرار کند. متخصصان ادبیات کودک و برنامه‌ریزان درسی، وقتی به آفرینش یک اثر

مخاطب‌شناسی یکی از مسائل مهم در زمینه تألیف است.
هر پدیدآورنده‌ای هنگام نگارش اثر خود،
باید به مخاطب بیندیشد و در نهان و آشکار،
مخاطب مفروضی داشته باشد و سعی کند
هر چه بیشتر او را بشناسد تا بتواند
ارتباط برقرار کند

ادبی، خلاصه کردن یا بازنویسی می‌پردازند و یا حتی به ترجمه یا ویرایش اثری برای کودکان روی می‌آورند، نیاز دارند که نه فقط در ذهن، بلکه در عالم واقع، واژگانی را در اختیار داشته باشند تا نه تنها با الهام از تجربه و ذوق شخصی، بلکه با استفاده از حوزه‌های واژگانی تعیین شده، در بانک

واژگان پایه به پردازش اثر بپردازند.^۲

با توجه به این که محوری‌ترین ابزار سخن واژه است، همه ابزار و عناصر شعری نیز ذیل مفهوم وسیع واژه قرار می‌گیرند. اگر واژه‌ها با هم آشنا باشند و همدیگر را در کنار هم بپذیرند، شعر ایجاد می‌شود و مفهومی زنده می‌گردد. جعفر ابراهیمی (شاهد)، یکی از اهداف بزرگ شاعر کودک را «آموزش زبان» می‌داند و بر اهمیت واژه از این منظر تأکید می‌کند. کودک با دنیای شعر ارتباط دارد. در دوران پیش از دبستان، کودک بیشتر به موسیقی شعر توجه دارد و لزومی ندارد که معنای تمامی واژه‌ها را بفهمد. میزان درک آن‌ها از معنای واژگان، به عواملی از جمله میزان هوش، خانواده، محیط زندگی، امکانات آموزشی و نظایر آن بستگی دارد. در آغاز دبستان، شعر باید قادر باشد علاوه بر سرگرم ساختن و لذت بخش بودن، به صورت وسیله‌ای در امر آموزش کودک، برای القای مفاهیم مختلف به کار رود. زیاده‌روی در استفاده از واژه‌های دشوار، انواع مجازها و بالابردن تخیل، از میزان همراهی کودک و مأنوس شدن او با شعر می‌کاهد.

«شاعران شعر کودک موظفند که خود، با دقت و حوصله، به برشمردن تعداد واژه‌های فهمیدنی و کاربردی مخاطبان خود بپردازند و به هنگام سرودن شعر، با توجه به اینکه برای کدام گروه سنی می‌نویسند، به طور نسبی و تقریبی از این واژگان بهره بگیرند و واژه‌های تازه یا واژه‌هایی را که گمان می‌برند برای کودک نامفهوم است، به کمک واژه‌های آشنا معنی کنند. این روش، به از بین بردن تفاوت‌های فرهنگی گروه‌های مختلف جامعه و ایجاد وحدت ملی، زبانی و اعتقادی کمک شایان توجهی خواهد کرد».^۳

از آن‌جا که در کشور ما، کتاب‌های مخصوص کودکان، مانند کتب درسی، برای همه کودکان در همه نقاط ایران چاپ می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد، لازم است به محتوای آن‌ها به گونه‌ای خاص توجه شود. استفاده از واژگانی که تمام کودکان فارسی زبان قادر به فهم آن‌ها باشند، الزامی است:

چون که با کودک سروکارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

(جلال‌الدین محمد بلخی)

اسدالله شعبانی، در بیان ویژگی‌های شعر کودک می‌گوید: «شعر خوب باید بازگوکننده نیازهای درونی و بیرونی کودک باشد. موضوع شعر، بیان و زبان شعر مناسب با گروه سنی موردنظر شاعر باشد و از همه مهم‌تر این که از منطق کودکان برخوردار باشد. شاعر در سرودن شعر باید از دریچه چشم کودکان به اشیا و امور نگاه کند».^۴

بابک نیک طلب، چهار ویژگی شعر خوب را این گونه بیان می‌کند:

واژگان پایه هر گروه سنی از لغاتی تشکیل می‌شود که
اغلب قریب به اتفاق بچه‌های آن گروه سنی،
معنی و مفهوم آن لغتها را می‌فهمند.
نویسنده‌ای که برای بچه‌ها می‌نویسد،
پیش از هر چیز باید به واژگان پایه گروه سنی مخاطبش
مسلط باشد

«قابل فهم، ساده و روان باشد. از موضوع مناسب این گروه بهره گرفته شده باشد. زبان حال و زاویه دید این گروه سنی را در نظر داشته باشد. از وزن، قافیه و ابزارهای شاعری در شعر، استفاده مطلوب و مناسب شده باشد.»^۵
برای فهم بهتر این مطلب، به سه نمونه شعر از سه شاعر کودک، اشاره می‌شود. این سه شعر با یک مضمون واحد سروده شده است. نخست به شعر پروین دولت‌آبادی، با عنوان «اسب چوبی» می‌پردازیم:

اسب چوبی / اسب چوبی / با تو من رفتم سفرها
اسب چوبی / اسب چوبی / با تو طی کردم همه کوه و کمرها
می‌نشینم می‌نشینم / روی زین چرمی تو
می‌روم از شهر خود / ای دوست با دلگرمی تو
اسب چوبی / جای من تا روی زین شد
پای من محکم / در این مهمیزهای آهنین شد
با تو من / دروازه شب را گشودم
با تو من / خورشید فردا را ربودم^۶

در این شعر، دولت‌آبادی از صنعت تکرار به خوبی استفاده کرده است، اما زیان شعر کودکانه نیست. کاربرد لغاتی چون «زین»، «مهمیز»، «دروازه» و افعالی مانند «طی کردم» و «ربودم» و ترکیب‌هایی انتزاعی چون «دروازه شب» و «خورشید فردا»، فهم شعر را برای کودک دشوار ساخته است.

«لوئیز ام روزن بلات» معتقد است: «خواندن شعر باید تجربه‌ای زیبایی‌شناسانه باشد که کودکان همراه آن، بر عناصر شناختی و تأثیرگذاری هم‌چون هیجانات و احساسات، صور خیال و اندیشه‌ها تمرکز پیدا کنند و در نتیجه آن، تجربه‌ای به دست آورند که در متن آن زندگی کرده باشند... متمرکز کردن توجه کودک بر تجزیه و تحلیل شعر، تا هنگامی که خود آن‌ها فرصت کافی برای آزمودن شعر نداشته باشند، کاری زیانبار است. بزرگ‌ترها وظیفه دارند نخست کودکان را تشویق کنند تا طعم شعر را بچشند. یعنی آن‌چه را در خیال خود مجسم می‌کنند و بر احساس و اندیشه آن‌ها می‌گذرد، مزه مزه کنند و در حال خواندن و گوش سپردن شعر، از آن لذت ببرند.»^۷

نمونه شعری از افسانه شعبان‌نژاد، با عنوان «اسب من»:

امروز من هم توی کوچه
مثل علی یک اسب دارم
اسبم حسابی تند و تیز است
خوشحال روی آن سوارم
وقتی که من همراه بابا



دیروز رفتم توی صحرا
هنگام برگشتن به خانه
آوردم اسبم را از آن جا
او می‌رود آرام و ساکت
با هیچ کس کاری ندارد
گاهی علی اسب خودش را
پهلوی اسبم می‌گذارد
هر جا بخواهم می‌رود او
این اسب من یک اسب خوب است
اسبی که روی آن سوارم
یک تکه باریک چوب است^۸

و شعر «عصا و اسب چوبی» از اسدالله شعبانی:

بابا بزرگم / مویش سفید است / مانند پشمک
او کرده پنهان / چشمان خود را / در پشت عینک
در راه خانه / می‌گیرم آرام / یک دست او را
او دوست دارد / با من بگردد / این جا و آن جا
ما هر دو داریم / یک چوبدستی / از چوب گردو
باریک و زیبا / چون پای لک لک / چون گردن قو
این چوبدستی / گاهی عصایی / در دست باباست
در دست من هم / یک اسب چوبی / با یال زیباست^۹
این دو شعر، در مقایسه با شعر دولت‌آبادی، دارای ویژگی‌هایی هستند:

اول آن که هر دو از زاویه دید اول شخص بیان می‌شوند. بیان شعر از زبان کودک، سبب نزدیکی مخاطب با فضای شعر می‌شود. دوم، عناصر مطرح شده و واژگان به کار رفته در آن‌ها، از ملموسات و محسوسات زندگی کودکان است؛ مانند پشمک، چوب، عصا، قو و سوم آن که کاربرد ترکیب‌های انتزاعی در این دو اثر دیده نمی‌شود.

پرهیز از کلی‌گویی که ویژگی شعر بزرگسالان است، نکته دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. شعر دولت‌آبادی در قالب یک کلمه (سفرها) خلاصه شده است، اما در شعر شبان‌نژاد، شاعر به توصیف مکان و موقعیت می‌پردازد:

وقتی که من همراه بابا
دیروز رفتم توی صحرا
هنگام برگشتن به خانه
آوردم اسبم را از آن جا

و یا شعبانی در توصیف اسب چوبی، به شکل و جنس آن اشاره می‌کند:

ما هر دو داریم / یک چوبدستی / از چوب گردو
باریک و زیبا / چون پای لک لک / چون گردن قو

دولت‌آبادی در به کار بردن قافیه‌ها به لحاظ دو کلمه‌ای بودن، موفق‌تر بوده و ساختار نحوی کلام را بیشتر رعایت کرده است، لکن با وجود کودکانه بودن مضمون، زبان شعر به بچه‌ها تعلق ندارد.

برخی از متخصصان ادبیات کودک، آشکارا به مسئله واژگان پایه و اهمیت آن در برقراری ارتباط سازنده با کودک اشاره کرده‌اند. در این‌جا به نظر رحماندوست، در کتاب «ادبیات کودکان و نوجوانان» می‌پردازیم:

رحماندوست: «واژگان پایه هر گروه سنی از لغاتی تشکیل می‌شود که اغلب قریب به اتفاق بچه‌های آن گروه سنی، معنی و مفهوم آن لغت‌ها را می‌فهمند. نویسنده‌ای که برای بچه‌ها می‌نویسد، پیش از هر چیز باید به واژگان پایه گروه سنی مخاطبش مسلط باشد.»^{۱۰}

**شاعران شعر کودک
موظفند که خود،
با دقت و حوصله،
به برشمردن تعداد
واژه‌های فهمیدنی و
کاربردی مخاطبان خود
بپردازند و به هنگام
سرودن شعر،
با توجه به اینکه برای
کدام گروه سنی
می‌نویسند،
به طور نسبی و تقریبی
از این واژگان بهره
بگیرند و واژه‌های تازه
یا واژه‌هایی را که
گمان می‌برند
برای کودک
نامفهوم است،
به کمک واژه‌های آشنا
معنی کنند**

عده‌ای دیگر، از واژگان پایه به طور ضمنی زیر عناوینی چون «گنجینه لغات»، «ذخیره واژگانی» و ... نام برده‌اند. حجازی در این گروه قرار دارد. وی در کتاب «ادبیات کودکان و نوجوانان؛ ویژگی‌ها و جنبه‌ها» می‌نویسد: «نوشته در عین سادگی باید غنی کننده گنجینه لغت و شناخت کودک در زبان مادری نیز باشد.» اسدالله شعبانی درخصوص واژه و اهمیت آن می‌گوید: «کاربرد کلام نیاز به دانش و تجربه دارد. هنر شاعری هنر ترکیب کلام است. کلام به عنوان ابزار کار شاعر، در شعر کودکان به معماری ویژه‌ای نیاز دارد که تنها از عهده یک شاعر خوب و یا به عبارتی، یک مربی - شاعر برمی‌آید. تجربه کار و دانش مختصری که در طی سال‌ها به دست آمده، به ما کمک می‌کند از آوردن واژگان دشوار و مهجور و مفاهیم غیرقابل دریافت برای مخاطبان خود پرهیز کنیم. برای مثال، در شعر پیش از دبستان، عبارت‌های ترکیبی و مفاهیم انتزاعی جایی ندارد، ولی به همان میزان که گروه سنی مخاطب بالا می‌رود، به تدریج از آوردن ترکیب‌های ساده و کلمات دیرفهم بهره می‌بریم.»

وی واژگان پایه را در شعر، این گونه معرفی می‌کند: «تقریباً همه واژه‌هایی که کودکان در یک گروه سنی خاص با آن‌ها سروکار داشته و در زبان رایج گفتاری در محیط خود با آن‌ها آشنا شده‌اند و در سطح دبستان در کتاب‌های درسی شناخته‌اند و به طور کلی همه نام‌ها و نشانه‌هایی که آشنا شدن با آن‌ها مورد نیاز کودکان است، می‌توانند وارد حوزه شعر کودک شوند. البته مفاهیم کهنه و مهجور و دیرپاب برای هر شاعری شناخته شده است و به طور طبیعی از شعر حذف می‌شوند» و اضافه می‌کند: «کار شعر از آموزش جداست، ولی به طور تقریبی واژگان پایه رعایت می‌شود، اما وحی منزل نیست. برخی از واژگان ناشناخته، به ضرورت می‌توانند در کنار واژگان آشنا وارد شعر کودک شوند؛ چون شعر، آموزش صرف نیست. به همین سبب، دایره بهره‌گیری از کلام را نباید تنگ گرفت.

ضروری است که شاعران کودک هم مانند یک مربی و آموزگار خوب، مراحل رشد و بالندگی کودکان

پس شاعر باید همانند مخاطبانش،
شکل و رنگ و طعم و بوی کلمات را بفهمد
و بچشد و با دریافت حسی قوی در گزینش کلمات
- با توجه به محدود واژگانی که در دسترس دارد -
بهترین‌ها را انتخاب کند

متمرکز کردن توجه کودک بر تجزیه و تحلیل شعر،
تا هنگامی که خود آن‌ها فرصت کافی
برای آزمودن شعر نداشته باشند،
کاری زیانبار است

ضروری است که شاعران کودک هم مانند یک مربی و آموزگار خوب، مراحل رشد و بالندگی کودکان را مراعات کنند

را مراعات کنند. البته قرار نیست یک شاعر با نظام آموزشی کشور خود همراهی کند. شعر یک امر ذوقی است و می‌تواند فضایی گسترده‌تر و دانشی فراتر از دانش رایج در نظام آموزشی کشور به کودکان بدهد. به همین سبب، ضمن رعایت برخی محدودیت‌ها و توجه به گوناگونی‌های فرهنگی و اقلیمی و غیره، آزادی در بهره‌گیری از ابزار کار و عناصر شعری را برای شاعر کودک لازم می‌دانم.

بدیهی است با تحولاتی که روی می‌دهد، زبان و ادبیات هم متحول می‌گردد. برای مثال، زبان و ادبیات عصر مشروطه، با زبان و ادبیات پیش از آن و پس از آن کاملاً متفاوت است. مفاهیم و مضمون‌های جدیدی که پس از انقلاب اسلامی به کار آمده، رنگ حماسی و تبلیغی کلمه‌ها، آهنگ دینی، آیینی و سیاسی آن کاملاً چشمگیر است. زبان سمبلیک قصه و شعر کودک پیش از انقلاب، خاصیتی به آن بخشیده بود که با واقع‌گرایی بعد از انقلاب، به کناری نهاده شد.^{۱۱}

شعبانی از کتاب‌های درسی، به عنوان منابعی برای شناخت واژگان پایه یاد می‌کند: «اما در قلمرو شعر کودک، دایره واژگان به کار رفته در کتاب‌های درسی، محدود و ناکافی است. برخی از کلمه‌ها و مفاهیم را کودکان هر چند نشناخته باشند، با بهره‌گیری از عنصر خیال می‌توانند دریافت و احساس شاعر را درک کنند. ضمناً گفتنی است که دایره واژگان کودکان بسته به محیط زندگی، فرهنگی، اقلیمی و تاریخی متفاوت است و این از ظرافت‌های کار شاعر و یا هر کسی است که با کودکان سروکار دارد. هر شاعری زبان خاصی در شعر خود دارد. برای مثال، من از آوردن جمله‌های ناقص و واژگان بیگانه و نیز کلمه‌های مخفف پرهیز می‌کنم و طبعاً سبک خاص خود را دارم که ممکن است با همه فرق داشته باشد، اما در حوزه کاربرد واژگان، معمولاً واژگانی هستند که بسامد آن‌ها در آثار همه شاعران کودک بالاست.»^{۱۲}

جعفر ابراهیمی (شاهد)، در خصوص واژگان در شعر کودک می‌گوید: «اصولاً شاعران کودک (آن‌ها که کارشان را جدی گرفته‌اند) روی واژگان پایه مطالعه کرده و می‌کنند. همه شاعران به سطح واژه فهمی کودک اهمیت می‌دهند. معیارهای گزینش واژه در طول مسیر تجربه پدید می‌آید و شاعر کودک، خود می‌داند که چه واژه‌ای در چه شعری و برای چه گروه سنی مناسب‌تری دارد. اما هنوز کار علمی و تحقیقاتی در این باره انجام نشده است. در شعر کودک باید واژگانی مورد استفاده قرار گیرند که کودک مجبور به استفاده از فرهنگ لغت یا سؤال از بزرگ‌ترها نباشد. در عین حال، شاعر به واژه‌هایی که در کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان استفاده می‌شود نیز نظر دارد.»^{۱۳}

به این ترتیب، یکی از عواملی که می‌تواند کودکان را به خواندن تشویق کند، فراهم کردن کتاب‌هایی است که در سطح درک آن‌ها باشد و البته، تعداد و نوع کاربرد واژه‌ها در این میان نقشی اساسی دارد.

پی‌نوشت:

- ۱- مقدمه‌ای بر فارسی‌نویسی برای کودکان، نادر ابراهیمی، تهران، آگاه ۱۳۶۴، ص ۳۷.
- ۲- گزارش طرح شناسایی واژگان پایه دانش‌آموزان ایرانی در دوره ابتدایی، شهین نعمت‌زاده، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و دانشگاه الزهرا ۱۳۸۴.
- ۳- مقدمه‌ای بر فارسی‌نویسی برای کودکان، ص ۲۶.
- ۴- مصاحبه نگارنده با اسدالله شعبانی، در تاریخ ۲۳ / ۷ / ۱۳۸۴.
- ۵- مصاحبه نگارنده با بابک نیک‌طلب، در تاریخ ۲۳ / ۷ / ۱۳۸۴.
- ۶- اسب چوبی، بر قایق ابرها، پروین دولت‌آبادی، شیراز، راهگشا ۱۳۷۷.
- ۷- ریه، آئروسل، دانشنامه کودکان و نوجوانان، آئروسل ریه، مترجم شهریار بهرامی و دیگران، تهران، نی ۱۳۸۰، ص ۳۷۸.
- ۸- مجموعه خوش به حال ماهی‌ها، افسانه شعبان‌نژاد، تهران، قاصدک ۱۳۷۶.
- ۹- عصا و اسب چوبی، اسدالله شعبانی، توکا ۱۳۷۹.
- ۱۰- ادبیات کودکان، علی‌اکبر شعاری‌نژاد، تبریز ۱۳۴۰، ص ۲۰.
- ۱۱- مصاحبه نگارنده با اسدالله شعبانی، در تاریخ ۲۳ / ۷ / ۱۳۸۴.
- ۱۲- همان
- ۱۳- مصاحبه نگارنده با جعفر ابراهیمی (شاهد)، در تاریخ ۲۳ / ۷ / ۱۳۸۴.